



به بهانه برگزاری جشنواره فناوری علامه جعفری

فناوری چه ربطی به علامه جعفری دارد؟

اگر از یک رفتارشناس یا یک متخصص برنامه ریزی کلان، بخواهید با مطالعه رفتارها، قوانین و آیین نامه هایی که در ایران تصویب می شوند، درباره نوع نظام فکری و عقلانی حاکم بر ایران داوری و قضاوت کنید، شگفت زده خواهید شد. چرا که آنها به صراحت اعلام خواهند کرد، که بخش اعظمی از قوانین و عقلانیت حاکم بر نظام برنامه ریزی کلان کشور ایران، بیش از حد شبیه عصر جاهلیت اعراب و منطبق بر عقلانیت عصر یونان باستان است.

یونانیان باستان بر این باور بودند که زمین مرکز عالم است. بنابراین هرچه به زمین تعلق داشت، ساکن، ایستا و فانی بود. در عین حال آنها اعتقاد داشتند که **حرکت**، امری آسمانی است که توسط خدایان و الهه های مختلف مدیریت و اعمال می شود. بنابراین هر موجودی که **حرکت** می کرد، به خدا یا الهه ای ویژه اختصاص داشت. مثلاً خورشید با ارابه های نامرئی آپولون **حرکت** می کرد، بقیه سیارات منظومه شمسی در مدارهای مستقلی **حرکت** می کردند، پس حرکتشان به خدای خاصی نسبت داده می شد. در زمین، این هفانیستوس بود که باعث حرکت گرما از ماده ای به ماده دیگر می شد. مثلاً گرما را از ذغال های گداخته به یک آهن منتقل می کرد. بنابراین صنعتگران برای اینکه کوره های داغ داشته باشند، به معبد هفانیستوس می رفتند و برای طلب روزی از او مدد می جستند. دریانوردان برای اینکه در دریا گرفتار طوفان نشوند، به خدایی که باد و امواج دریا را به **حرکت** درمی آورد، پناه می بردند. به همین علت تاجران، مسافران یا سربازان در سفرهای دریایی، همیشه تندیس از پوزیدن، خدای دریا و باد را به همراه داشتند. به باوریونانیان، عشق نیرویی بود که جوانان را برای رسیدن به معشوق به **حرکت** وامی داشت، آنها برای وصال با معشوق، هدایایی به معبد اروس، خدای عشق، نذر می کردند. دانه گیاه وقتی در زمین کاشته می شد، به **حرکت** در می آمد، ریشه ها به زیر خاک نفوذ می کردند، ساقه ها و برگها رشد می کردند. کشاورزان برای داشتن محصول بهتر به درگاه دیمتر، خدای کشاورزی و باروری دعا می کردند. اسپارتنای خدای جنگ و شجاعت، به جنگجویان شهامتی عطا می کرد تا به صفوف دشمن بتازند. به زعم آنها شهامت و جسارت، نیروی **حرکت** دهنده و برانگیزنده ای بود که باید از اسپارتنای انسانها هدیه می شد. ارسطو معتقد بود که اندیشیدن و تعقل از **حرکت** ذهن نشأت می گیرد. او می گفت: ما وقتی استدلال می کنیم، مانند این است که از نقطه ای به نقطه دیگر حرکت می کنیم. بنابراین، خردورزان و اندیشمندان برای رسیدن به استنباط های قوی و یافتن برهانها، به آتنا خدای خردورزی متوسل می شدند. افلاطون که یکی از بزرگترین متألهان و مروجان پرستش خدایان یونان باستان است، شرح حال تمامی خدایان و الهه ها را در رساله تیمائوس به تفصیل شرح داده است.



ایمان به تعدد خدایان، جدایی طبقات و گروه های مختلف اجتماعی را توجیه می کرد و باعث شده بود که هر کس در معبدی جداگانه مشغول اندیشیدن به دنیایی مستقل از دیگران باشد. جنگجویان نیازی به خدای دانایی نداشتند و کشاورزان همیشه به خدای خود و محصولانشان فکر می کردند.

لذا ضرورت داشت هر کس در حیطه نقش خود از تعلیم و تربیتی متفاوت برخوردار باشد. آتنا از خردورزان، لطافت طبع، صبر و بردباری در تحمل دیگران و نرمی و آرامی می طلبید، و اسپارتا از جنگجویان، توقع بی رحمی، سختگیری و خشونت داشت. هر کس به تناسب خدایی که می پرستید، وظایف و نقشی متمایز از دیگران داشت و آرزویی متفاوت از طبقه و گروه های مختلف را در سر می پروراند. موضوعی که برای کشاورزان ارزش به حساب می آمد، ممکن بود برای صنعتگران یا خردورزان بی ارزش و بی اعتبار باشد. بدین ترتیب بود که تنوع و تعدد خدایان، پیوند بین انسانها را از هم گسست و آنها را از اندیشیدن به هم و تعلق خاطر داشتن به یگدیگر، دور کرد. ایمان به خدایان رنگارنگ و متنوع، شیرازه وفاق، همدلی و اتحاد را از هم پاشید و تمدن یونان را به نابودی کشاند.

امروز در بخش اعظمی از برنامه ها و قوانینی که در ایران تدوین و تصویب می شوند، نشانه های بارزی از همان **عقلانیت فرسوده** و فرتوت عصر جاهلیت یونانی را می توان به عینه دید.

طبق گزارش بانک مرکزی در چند ماه گذشته، بانکها بیشترین وام را به کارمندان خود داده اند. یعنی بانکها نقش موثری در حمایت از صنعت، یا ترویج ازدواج یا توسعه تعلیم و تربیت عمومی نداشتند.

بیش از ۱۰۰ سال است که **دانشکده های** کشاورزی به فعالیت مشغولند. اما هنوز قانونی که زمین های کشاورزی، باغ ها، مراتع و جنگلها را به فارغ التحصیلان این دانشگاه ها بسپارد، به تصویب نرسیده است. هر کس می تواند مزرعه و باغی را در هر جای کشور بخرد و به ویلای شخصی، **تغییر کاربری** دهد.

معلوم نیست فارغ التحصیلان دانشکده های کشاورزی در **یک دوره صد ساله**، کجا مشغول کارند و تا به امروز چه نقشی در استفاده بهینه از آب و خاک کشاورزی ایفا کرده اند. وزیر نیرو در آخرین گزارش اعلام کرد که ۸۵ درصد از **آب** کشور در کشاورزی به **هدر** می رود و تا به امروز نتوانسته ایم به معنای واقعی از سیستم های مدرن کشاورزی برای آبیاری مزارع یا باغها بهره ای ببریم.

بین **کشاورزان با دانشکده های کشاورزی** آن قدر فاصله و شکاف ایجاد شده است، که اگر امروز تمامی کشاورزان، باغداران به خاطر خشکسالی به خاک سیاه بنشینند و تمامی جنگل ها، باغ ها و مزرعه ها نابود شوند، حتی یک ریال از حقوق ماهانه اساتید دانشکده های کشاورزی کم نمی شود.



صنعتگران ایرانی، فناوری های مختلف را به جای دانشگاه ها از کشورهای پیشرفته خریداری می کنند. دانشگاه ها حتی از انواع تجهیزات و ماشین آلاتی که کارخانه داران وارد کشور می کنند، بی اطلاعند. چه برسد به اینکه دانش استفاده از آن فناوریها را جمع آوری کرده باشند. یا طرحی برای ارتقای فناوریهای به کار رفته در آن ماشین آلات داشته باشند.

در دانشگاه های سراسر کشور، همه ساله **صدها مقاله** علمی در ژورنالهای بین المللی چاپ می شود. در بین بیش از ۸ میلیارد جمعیت، و میلیونها کارخانه و موسسه تولیدی و خدماتی در جهان، تا به امروز یک شرکت، یک موسسه و حتی یک نفر پیدا نشده است، که به خاطر استفاده از تئوری ها یا نتایج علمی طرح شده در این مقالات، حاضر باشد یک ریال به اساتید ما پرداخت نماید.

این درحالی است که اساتید دانشگاه ها مجبورند مبالغ هنگفتی را برای ادیت مقالات و پذیرش و چاپ آنها در ژورنالهای بین المللی پرداخت کنند. جالب اینکه مقالات چاپ شده در کشورهای مدعی رعایت قانون کپی رایت نیز، هیچگونه بازتابی از ارزشمندی این مقالات برای شرکت ها یا موسسات علمی و صنعتی یا تولیدی نداشته اند. چراکه در صورت استفاده شرکتها یا موسسات تولیدی از مقالات، برای بهبود تولید یا رونق اقتصادی، طبق قوانین **مالکیت معنوی** آثار، باید به نظریه پردازان یا اساتیدی که مدعی ارائه یک ایده و راه حل هستند، مبالغی را پرداخت کنند.

به بیان ساده تر، تا به امروز هیچ سند معتبری مبنی بر استفاده از این مقالات در صنایع مختلف ایران و جهان به دست نیامده است. این مقالات علاوه بر این که هیچ نقشی در بهبود تولید یا دستیابی به فناوریهای جدید یا توسعه و پیشرفت کشور نداشته اند، فاقد هر نوع ارزشی برای صنایع، شرکتها یا موسسات جهانند.

با این وجود، **وزارت علوم**، تحقیقات و فناوری برای **سرپوش گذاشتن** به این **رسوایی**، همه ساله میلیاردها تومان از بیت المال را از بابت همین مقالاتی که در جهان خریداری برای آنها پیدا نمی شود، به عنوان پاداش به اساتید پرداخت می کند، و چاپ مقاله را تنها معیار اصلی ارتقاء و ترفیع اساتید می داند.

نظام تعلیم و تربیت عالی کشور فقط از **آفت مقاله** آسیب ندیده است، بلکه به دردهای بی درمانتری مبتلا و گرفتار است.



هدف از تاسیس دانشگاه‌ها در بین ملل مختلف، تربیت انسانهای ماهر، توانمند و متخصص است. تا پس از احراز صلاحیتهای علمی و تخصصی لازم، صاحب مدارج مختلف شغلی شوند. اما در ایران، وزارت کار، بدون هر نوع ارتباطی با دانشگاه‌ها، اقدام به تاسیس **سازمان فنی و حرفه‌ای** نموده است و با برگزاری دوره‌های آموزشی چند روزه، به فارغ التحصیلان خود **پروانه اشتغال** صادر می‌کند. کسی نیست پیرسد، اگر قانونگذاران این مملکت به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان با برگزاری یک دوره آموزشی چند روزه، به صلاحیت حرفه‌ای لازم برای کسب مجوز کار دست یافت، پس چه ضرورتی دارد که همه روزه میلیاردها تومان بیت المال برای اداره دانشگاه‌ها هزینه شود؟ جالب اینکه در ایران مدرک تحصیلی دانشگاه‌های صنعتی، مانند علم و صنعت، پلی تکنیک امیرکبیر، صنعتی سهند، دانشگاه صنعتی شریف، و ... هیچ گونه ارزش اشتغال ندارند. فارغ التحصیلان این دانشگاه‌ها پس از اخذ مدرک دکترا یا فوق لیسانس برای **اخذ مجوز کسب و کار** باید ضمن شرکت در دوره‌های آموزشی که در سازمان فنی و حرفه‌ای برگزار می‌شود، نمره قبولی دریافت کنند، تا موفق به دریافت پروانه کسب شوند. و... هرچند امروز نامی از خدایان متنوع در دانشگاه‌ها، مزارع، جنگلها، بانکها، صنایع و جامعه نیست. اما گویی این مجموعه‌ها و جزیره‌های پراکنده و دور ازهم، **گرفتار خدایان گوناگونند** و نمی‌توانند خدای واحدی را برای پرستش برگزینند.

استاد علامه جعفری از سال ۱۳۴۹ سلسله سخنرانی‌هایی را آغاز کرد که بعدها در مرکز نشر آثار به عنوان **«حیات معقول»** جمع‌آوری و چاپ شدند.

او در این مجموعه‌ها تاکید می‌کند، که رسالت تمامی پیامبران، فقط **دعوت به یکتاپرستی** است. پیامبران سعادت بشر را در دور ریختن خدایان گوناگون و نجات دادن انسانها از فاصله‌ها و جدایی از یگدیگر می‌دانند. او معتقد است پیامبران زندگی اندیشمندانه یا حیات معقول را در یکتاپرستی می‌دانند و بر این باورند، انسانها زمانی به پیشرفت، تعالی و توسعه واقعی دست خواهند یافت که بتوانند با ایمان به خدای واحد و مبدء مشترک، رابطه‌های خود را با خود، دیگران، موجودات و تمامی هستی بهبود بخشند. علامه در کتاب حیات معقول، برای تبیین تاثیر ایمان به یکتاپرستی در توسعه و تعالی و بهبود رابطه‌ها، مثال جالبی دارد. او می‌گوید: اگر شما به آدم و حوا اعتقاد داشته باشید و بپذیرید که تمام انسانها از یک پدر و مادر به وجود آمده‌اند، به احساس خواهر و برادر بودن با تمام انسانهای دنیا دست خواهید یافت، و به نوعی احساس فامیل بودن، قوم و خویش بودن با تمامی ابنای بشر خواهید رسید. ایمان به خدا و مبدا واحد نیز چنین تاثیری در بهبود رابطه‌ها خواهد داشت. یکتاپرستی به معنای اندیشیدن به تمامی رابطه‌هاست که حیات و بقاء ما را بر روی زمین تداوم بخشیده است.



با این تعریف از یکتاپرستی می توان ادعا کرد، وقتی مدیرعامل معدن مس، بخشی از هزینه استخراج مس را به تصفیه فاضلاب های صنعتی اختصاص می دهد، که در صورت تصفیه نشدن، سموم خطرناک را به سفره های زیرزمینی منتقل می کند، یعنی توانسته است خود را از اندیشیدن به سود و منافع شخصی و سازمانی خود رهایی بخشد و نسبت به ادامه حیات و تداوم سلامت جنگل، مرتع، کشاورز، دامدار، احساس مسئولیت بکند، بدین معناست که در مسیر یکتاپرستی گام برداشته است. به بیان دیگر، او خود را از خدایان گوناگون رها نموده و به پرستش خدای یگانه ای که خدای جنگل، خدای معدن، آب، دام، کشاورز و خدای تمامی انسانهاست، ایمان آورده است.

یکتاپرستی در نظام قانونگذاری و برنامه ریزی، یعنی رها شدن از **شرک** برآمده از **استقلال** کمیسیون های تخصصی مجلس و پیوند زدن سرنوشت تمامی زیر نظام های اجتماعی (زیر نظام اقتصادی، زیر نظام فرهنگی، زیر نظام سیاسی، زیر نظام ...) به همدیگر. به نحوی که با فرو ریختن **بتخانه های** مستقل اقتصاد، فرهنگ، صنعت، کشاورزی، سلامت، بهداشت، دانشگاه و... شانه های تمامی زیر نظام های نظام اجتماعی کل کشور رو به سوی **قبله واحدی** بچرخند و هدف مشترکی را دنبال نمایند.

یکتاپرستی، یعنی نمی توان بدون اندیشیدن به اقتصاد، صنعت، تجارت، دین، سنت و امنیت، برای تعلیم و تربیت، در پشت درهای بسته شورای عالی فرهنگ، **سند تحول بنیادین** نوشت یا به اسلامی کردن دانشگاه ها اندیشید.

یکتاپرستی، یعنی **گره زدن** سرنوشت صنعت به دانشگاه، تا به هنگام فرو ماندن چرخ صنعت در منجلاب تجارت و بازار، تن استاد دانشگاه صنعتی چنان به لرزه افتد که با وا گذاردن سریر اقتدار جزوه و نمره و مقاله، با سپردن دست یاری به دانشجو و صنعتگر، چرخ وامانده صنعت را از گل رقابت با محصولات کشورهای پیشرفته، سرافرازانه بیرون کشد. در غیر این صورت باید در دانشگاه و درس را برای همیشه گل بگیرد.

یکتاپرستی یعنی **پیوند** زدن رگ حیات استاد دانشکده کشاورزی به نبض دامدار و کشاورز، تا استاد از تب خشکسالی و قحطی، آن چنان برای طلب باران در مصلاهی همت و اراده، قُر گیرد که به حرمت عرق جبینش، آسمانی که نبارد و زمینی که نرویند شرمگین شوند.

یکتاپرستی یعنی **پیوند** نهال سود و منفعت تاجر و کارفرما به ریشه خوشبختی کارگر و کارمند، تا با سقوط شاخص صرفه و سود در تولید و تجارت و خدمت، اقتصاد به اغما نرود و چوب سود و ربای بانک و صراف، لای چرخ صنعت و خدمت گیر نکند و سقف صنایع و کارخانه هایی که به بهانه عدم صرفه اقتصادی، به مصلحت، اعلام ورشکستگی می کنند، بر سر کارگر و کارمند آوار نشود.

در فراق حاکمیت یکتاپرستی، باید استیلای کامل **شرک** بر نظام قانونگذاری و برنامه ریزی کلان کشور را به انتظار نشست و هستی این ملت را زیر پای بت هایی که از **استقلال** صنعت و دانشگاه و حوزه و فرهنگ و اقتصاد و بانک و... سر برافراشته اند، قربانی کرد.



تاریخ گواه است ملت هایی که با حاکمیت نظام برنامه ریزی و قانونگذاری مبتنی بر **وحدت** تمامی زیر نظام های اجتماعی را در جهت واحدی هدایت نموده و سرنوشت مشترکی را برای تمامی آنها رقم زده اند، در مسیر **یگانه پرستی** واقعی گام نهاده اند و توانسته اند با افزودن بر نیروها و یکپارچه ساختن امکانات و توانمندی ها، خود را در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دهند و پرستش خدای بزرگ را تجلی بخشند.

تدوین قوانین و برنامه هایی که در طول انقلاب به استقلال منابع مادی و سرمایه های انسانی هر یک از زیر نظام های اجتماعی انجامیده است، امکان هر نوع **یکپارچه نگری** و برخورداری از **سرنوشت مشترک** بین صنعت، دانشگاه، حوزه، اقتصاد، امنیت و فرهنگ را به طور کامل از بین برده و موجب گردیده است تا از هر یک از آنها بت و بتخانه ای سر برآورد و جمعی را به پرستش خدایان کوچک و خوار مشغول سازد.

امروز **آسمان یگانه پرستی** در دانشگاه های کشور آنچنان بی فروغ است که نمی توان با نور کم فانوس بر آویخته از سقف بتخانه دانشگاه که برای برپایی کلاس، تحویل جزوه به استاد و چاپ مقاله در ژورنال های آن ور آب سوسو می زند، دل تاریک صنعت و اقتصاد و فرهنگ را روشن ساخت.

امروز در **صنعت** دمی نیست که رگ غیرت دانشگاه را به جوش آورد یا آهن سرد اقتصاد و فرهنگ را گداخته سازد. هیچ دستی از اقتصاد برای التیام و تیمار فرهنگ فشرده نمی شود و هیچ دلی از فرهنگ برای تسکین درد صنعت به تپش نمی افتد. هر کدام بتخانه ای آراسته اند و لات و هبلی برافراشته اند. بی جا نیست که هیچ قدرت و نیرویی بر روی هم انباشته نمی شود و عزت و شوکت پرستش خدای بزرگ، برای ملتی که قرن ها یکتاپرست بوده اند، احساس نمی شود.

یکتاپرستی و ایمان به وحدانیت به عنوان منشاء **حرکت و حیات**، مهم ترین **عامل هوشمندی** است که می تواند زندگی اجتماعی را به موضوعی ارزشمند تبدیل کند و زمینه را برای برخورداری از خرد و **عقل نظام مند**، **سیستمی** و **اندام وار** در بین آنان فراهم نماید.

بدین معنا که انسان ها برای کنارهم بودن همیشه به بهانه ها و دلایلی نیاز دارند که ارتباط و پیوند بین آنها را مهم و با ارزش جلوه دهد، به نحوی که آنها متقاعد شوند که نیازمند تعامل و **پیوند حیاتی** با تمامی اعضای جامعه هستند و از سرنوشت مشترکی برخوردارند.

عقلی که خداوند در قرآن بهره مندی از آن را مایه سعادت و خوشبختی انسان ها می داند، همان عقل اندام وار و **رابطه مندی** است که به واسطه ایمان به یکتاپرستی قابل حصول است. انسان ها با ایمان به خدای یگانه به نوعی از **عقلانیت** و اندیشیدن دست می یابند که به واسطه آن می توانند تمامی امور را در راستای هم دیده و خود را موجودی وابسته به **هستی** قلمداد کنند و موجودیت، حیات و هستی خود را به عنوان قسمتی از سرنوشت دیگران به رسمیت بشناسند.



حکومت اسلامی جز با حاکمیت و اشاعه نظام عقلانیتی که تمامی اجزای جامعه را در مسیر یگانه و مشترکی همسو سازد، معنا نخواهد داشت. یعنی بدون عقلانیت توحیدی و ایمان به یکتاپرستی، تحقق **تمدن اسلامی** خیالی بیش نیست.

ما در ۴۵ سال گذشته با غفلت از این نوع تعقل و خردورزی (عقلانیت توحیدی) با پذیرش واقعیت های مستقل از هم، زیرنظامهای اجتماعی را به موجوداتی بیگانه از هم تبدیل نموده ایم. وقتی هریک از زیرنظام ها به عنوان واقعیتی مستقل از دیگران به رسمیت شناخته می شوند، نیازی به داشتن آرزوهای مشترک نیز نخواهند داشت و هیچ ضرورتی به داشتن قوانین و برنامه های همسو و هماهنگ برای برخورداری از سرنوشت مشترک نیز احساس نخواهند کرد. تاکید خداوند در قرآن بر تدبیر در فرآیند آفرینش موجودات به عنوان اصلی ترین راه تعقل، در حقیقت هدایت او در مسیر برخورداری از نگرش اندام وار (ارگانیک) است، تا انسان ها بتوانند به قابلیت و مهارت برنامه ریزی و قانونگذاری جامعی دست یابند که به واسطه آن مسیر توسعه و رشد خویش را با تعامل موثر و هماهنگی ارگانیکی (اندام وار) تضمین نمایند.

امروز ایران به انتظار ظهور مردان بزرگی است که با تکیه بر ایمان به خدای واحد، به مصاف با جهل و ناتوانی ها بروند و با ارائه نظریه های نو و ابداعات و اختراعات بی بدیل **مدال افتخار فناوری** های پیشرفته و مدرن را بر گردن دانشگاہیان و صنعتگران ما بیاویزند.

جواد سقای سعیدی

دبیر جشنواره